

جشن تیرگان با آبریزان و ردپای آن دیگر نقاط جهان

آندرانیک هویان
رئیس اداره فرهنگ و هنر آبادان

عید کهن ایرانی، توضیح کافی داده است، تقی‌زاده در این مورد چنین مینویسد:

«در تلمود بابلی، همانگونه که لازاروس گولدمیدت مترجم تلمود بزبان آلمانی اشاره کرده، عدد جشنها چهار است، ولی در تلمود اورشلیم که فقط نام سه جشن مادی آمده، اسامی نسبتاً واضح‌تر است. این نامها عبارتست از موتردی Mutardi تریسکی Turyaskai، مهرنیکی Muhranekai که باسانی میتوان تشخیص داد که همان نوسرد تیرگان و مهرگان است و این مطلبی است که تاکنون چند نفر از دانشمندان آن را بیان و تأیید کرده‌اند. چهار جشن ایرانی که در تلمود بابلی آمده نیز قطعاً همان جشنهاست که نامشان در تلمود اورشلیم آمده منتهی نام نوزدهم بر سه نام دیگر افزوده شده. این اسامی عبارتست از متردی، تریسکی، مهرنیکی و مهرن. دو نام دوم و سوم اشکالی ندارد و بی‌تردید همان تیرگان و مهرگان است، اولی باغلب احتمال کتابت غلطی از مسردی است که صورتی از نسردي رایج میان اقوام آرامی زبان بین‌النهرین بوده است. معنی این هر دو کلمه در آرامی اول سال و آب افتادن و نیز نوبر خرما است، و مسردی بدون شك همان نوسردی است که نون آن به میم مبدل شده.

در دین مزدیسنی تیر نام فرشته باران است که در ادبیات مزدیسنی تیشتریه، در زبان پهلوی تیشتر و در فارسی تیشتر آمده است. در اوستا یکی از قطعات بسیار دلکش که تیریشتم نامیده شده در نیایش فرشته باران است و از پر تو کوشش این فرشته است که زمین پاک اهورائی از بخشایش باران برخوردار میگردد

در گاه شماری ایران باستان، سال به دوازده ماه سی روزه تقسیم میگردد، که جمعاً ۳۶۰ روز میشد و ۵ روز باقی مانده را معمولاً به آخر ماه هشتم میافزودند، (خمسه مشرقه) هر روز از روزه‌های ماه به نامی خوانده میشد که مفهوم و معنی خاصی داشت، و معمولاً روزها بنام یکی از امشاسپندان و یا یکی از فرشتگان آئین زرتشتی بود، و چون نام روز و ماه با هم موافق میافتاد آن روز را جشن میگرفتند، سیزدهمین روز ماه، تیر نام داشت، و در روز سیزدهم تیر (روز تیر در ماه تیر) جشن تیرگان گرفته میشد.

جشن آبریزگان که در فصل تابستان و هنگام قلت باران برگزار میگردد، در حقیقت نوعی مراسم طلب باران است. و این جشن از کهن‌ترین اعیاد ملی ایرانیان میباشد که از دوره ماد تاکنون برگزار میگردد، و مردم در جشن تیرگان به یکدیگر آب می‌پاشند. کهن‌ترین سندی که در آن از برگزاری جشن تیرگان در دوره ماد اشاره شده تلمود بابل و تلمود اورشلیم است در تلمود اورشلیم چنین آمده:

«... در بابل سه عید دارند و در مدی سه عید. اعیاد بابلی عبارت است از موهری، کونونی و کونونا و اعیاد مدی نوسردی تریسکی و مهرنیکی در تلمود بابلی اعیاد ایرانیان را با تصحیف زیاد چهار عدد ذکر کند. Mutardis Turyaskai, Muhranekai, Muhrai که تریسکی دوم همان تیرگان است». در بیست مقاله تقی‌زاده علامه فقید در مقاله‌ای که تحت عنوان «جشن‌های ایرانی که مسیحیان پذیرفته و یهودیان طرد کرده‌اند»، در بخش «جشن‌های ایرانی و یهودیان» درباره این

و کشتارها سیراب میشود. در تیریش^۲ به ستاره تشر صفت آب آورنده و دارنده نطفه آب داده شده است :

کرده ۶ « تشر ستاره درخشان (رایومند) باشکوه (فرهمنند) راستویس آب آورنده توانای مزدا آفریده را خشنود میسازیم » .

کرده ۲ « تشر ستاره رایومند فرهمنند را میسائیم (که) نطفه آب در بردارد (آن) توانای بزرگ نیرومند ، دوربیننده بلند پایه زیر دست را آن بزرگواری که از اونیکتا می آید و تراش از ایم نیات (میباشد) برای فروغ و فرش اورا میسائیم » .

« از توصیفی که در اوستا از ستاره تشر شده است میتوان یقین داشت که تشر همان ستاره شعری دانسته اند ، تشر در ایران باستان ستاره باران و دشمن خشکالی و گرما محسوب میشده است . تشر در ماه تیر (ماه سرطان) که گرما به نهایت رسیده بود ، طلوع میکرده و نوید اعتدال هوا و آمدن باران را میداده ، البته بلافاصله پس از طلوع تشر باران نمیباریده بلکه بین طلوع آن و ریزش باران فاصله ای وجود داشته است » .

اکثر مؤلفان و نویسندگان قرون هفتم هجری به بعد و هم چنین مؤلفان فرهنگ های فارسی ، آغاز برگزاری جشن تیرگان را ، مربوط به واقعه ای در زمان ساسانیان میدانند ، و این ، بسبب اهمیت جشن تیرگان در زمان شاهنشاهی ساسانیان و توجه و علاقه مردم آن عصر ، به عید تیرگان است .

بیگانگانی که پس از سقوط شاهنشاهی ساسانی به ایران زمین تاختند ، با تمدن و فرهنگ گرانبار ساسانی مواجه شدند ، و مهاجم بظاهر پیروز ، نه فقط موفق به قطع علائق و پیوند این ملت کهنسال ، با اعیاد ملی و سنن باستانی نگردید ، بلکه بسبب تمدن و فرهنگ درخشان و برتر ایران زمین ، حتی مجبور به پذیرش و اجرای برخی از اعیاد ایرانیان گردید ، ایرانی پاک نهاد ، آریائی تژاد ، جشن تیرگان را فراموش نکرد و همانند سایر اعیاد ملی ، بزرگ و گرامی داشت ، و در حفظ و برگزاری آن پایمردی کرد .

ابوریحان بیرونی از جمله نخستین نویسندگان ایرانی است که در مورد تیرگان مطالبی نوشته و علت برگزاری جشن تیرگان را جنگ افراسیاب تورانی و منوچهر ایرانی و پرتاب تیر بوسیله آرش برای تعیین مرز ایران و توران و خارج شدن ایرانیان از حصار دانسته است ولی نکته بسیار با ارزش داستان ابوریحان بیرونی جانبازی آرش در راه میهن و پرتاب تیر بوسیله اوست چون با وجود اینکه آرش آگاهی کامل داشت که در صورت پرتاب تیرس پاره پاره خواهد شد ولی مانند هرایرانی پاک تژاد جان بر کف نهاد و آماده جانبازی در راه وطن گردید . ابوریحان در این مورد چنین مینویسد :

« روز سیزدهم آن روز تیر است و عیدی است تیرگان نام دارد برای اتفاق دو نام ، و برای این عید دوسبب است یکی آن است که افراسیاب چون بکشور ایران غلبه کرد و منوچهر را در طبرستان در محاصره گرفت منوچهر از افراسیاب خواهش کرد که از کشور ایران باندازه پرتاب یک تیر در خود باو بدهد و یکی از فرشتگان که نام او اسفندارمذ بود حاضر شد و منوچهر را امر کرد که تیر و کمان بگیرد باندازه ای که بازنده آن نشان داد چنانکه در کتاب اوستا ذکر شده (آرش) را که مردی با دیانت بود حاضر کردند و گفت که تو باید این تیر و کمان را بگیری و پرتاب کنی و آرش برپا خواست و برهنه شد و گفت ای پادشاه وای مردم بدن مرا به بینید که از هر زخمی و جراحتی و علتی سالم است و من یقین دارم که چون با این کمان این تیر را بیندازم پاره پاره خواهم شد و خود را تلف خواهم نمود ولی من خود را فدای شما کردم پس برهنه شد و بقوت و نیروئی که خداوند باو داده بود کمان را تا بناگوش خود کشید و خود پاره پاره شد خداوند باد را امر کرد که تیر اورا از کوه رویان بردارد و باقصای خراسان که میان فرغانه و طبرستان است پرتاب کند و این تیر در موقع فرود آمدن بدرخت کردوی بلندی گرفت که در جهان از بزرگی مانند نداشت و برخی گفته اند که از محل پرتاب تیر تا آنجا که افتاد هزار فرسخ بود و منوچهر و افراسیاب بهمین مقدار زمین صلح کردند و این قضیه در چنین روزی بود و مردم آنرا عید گرفتند . منوچهر و ایرانیان را در این حصار کار سخت و دشوار شده بود بسمی که دیگر بآرد کردن گندم و پختن نان نمیرسیدند زیرا طول می کشید و گندم و میوه های کال را که هنوز نرسیده بود می پختند . و بدین جهت پختن میوه و گندم در این روز رسم شده و برخی گفته اند که روز پرتاب کردن تیر این روز بوده که روز تیر میباشد که تیرگان کوچک است و روز چهاردهم آن که شش روز است که تیرگان بزرگتر باشد و در این روز خبر آوردند که تیر بکجا افتاده و در این روز مردم آلات طیب و تنورها را می شکستند زیرا در این روز بوده که از افراسیاب رهائی یافتند و هریک بکار خود مشغول شدند » .

ابوریحان در جایی دیگر در مورد جشن آب پاشان مینویسد :

- ۱ - ۲۰ مقاله تقریبات ، صفحه ۵۳۱ تعلیقات برگاه شماری در ایران قدیم .
- ۲ - ۲۰ مقاله تقریبات ، صفحه ۳۲۴ و ۳۲۵ .
- ۳ - ادبیات مزدیسنا جلد اول تفسیر و تالیف پورداود از انتشارات انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی .
- ۴ - ترجمه آثار الباقیه ابوریحان بیرونی بقلم اکبر دانا سرشت متخلص به سیرفی ، صفحه ۲۴۹ .
- ۵ - صفحه ۲۴۶ ترجمه آثار الباقیه ابوریحان بیرونی بقلم اکبر دانا سرشت (۳۶۲ - ۴۴۰) هجری زین الاخبار گردیزی تاریخ تالیف در حدود ۴۴۰ هجری .

«.....» ودر این روز مردم بیکدیگر آب می‌پاشند و سبب این کار همان سبب اغسال است. و برخی گفته‌اند که علت این است که در کشور ایران دیرگاهی باران نبارید و ناگهان بایران سخت بیارید و مردم باین باران تبرک جستند و از این آب بیکدیگر پاشیدند و این کار همین‌طور در ایران مرسوم بماند. گردیزی مورخ قرن پنجم هجری انگیزه برگزاری جشن تیرگان را همانند ابوریحان بیرونی قهرمانی و تیراندازی آرش می‌داند و چنین نوشته است :

«و تیرگان سیزدهم ماه تیر موافق ماهت و این آن روز بود که آرش تیر انداخت اندر آنوقت که میان منوچهر و افراسیاب صلح افتاد و منوچهر را گفت هر جا تیر تو برسد پس آرش تیر بینداخت از کوه رویان و آن تیر اندر کوهی افتاد میان فرغانه و طخارستان و آن تیر روز دیگر بدین کوه رسید و اندر تیرگان غسل کنند و سفالینها و آتش‌دانها بشکنند و چنین گویند که مردمان اندرین روز از حصار افراسیاب پرستند و هر کسی بر کار خویش شدند و هم اندرین ایام گندم با میوه بیزند و بخورند و گویند اندر آن وقت همه گندم پختند و خوردند که آرد نتوانستند کرد زیرا که همه اندر حصار بودند.

سرشتن از بهر آنست که چنین گویند که چون کیخسرو از حرب افراسیاب بازگشت بر سر چشمه فرود آمد تنها خواش فرو برد پس بیژن بن کیو فرارسید او را خفته یافت آب بروی زد تا از خواب بیدار شد و اندرین روز غسل کردن میان ایشان برسم بماند» .

ذکریا قزوینی نویسنده قرن هفتم هجری زمان آغاز جشن آبریزگان را مربوط به دوره ساسانیان و سلطنت فیروز شاهنشاه ساسانی و انگیزه آنرا قحطی شدید و توسل و دعای شاهنشاه مزبور بدرگاه خداوند و اجابت آن از طرف پروردگار دانسته :

«سام راین روز سیام حزیران است و آنرا در اصفهان با آبریزگان خوانند و سبب این آن بود که قحطی در زمان فیروز پدید شد و فیروز جد نوشیروان است و فیروز تیر آنسال خراج بگذاشت و از اموال آتشیانها قرض کرد و بر رعیت قست کرده و نگذاشت که کسی از گرسنگی هلاک شود آنکه نماز کرد و دست به دعا بازداشت و گفت الهی اگر این قحط را سبب سوء سیرت من است مرا ظاهر کن تا خوشتن را خلع کنم و اگر سبب آن از غیر جهت من است آنرا بگردان و اهل دنیا را باران فرست چون او از آتشیان بیرون آمد ابری بر آمد و بارانی بیارید که مثل آن در آن عهد کسی ندیده بود و مردم در آن، بهمدیگر آب می‌ریختند از غایت شادی و این از آن زمان باز عادت شد» .

در دوره صفویه جشن آبریزگان در اکثر نقاط ایران برگزار میگردد و از پادشاهان صفوی شاه عباس کبیر توجه

زیادی به برگزاری این جشن نشان میداد و آن بصورت یکی از جشنهای مورد علاقه شاه عباس کبیر در فصل تابستان درآمد بود و علاقه شاهنشاه صفوی به برگزاری این جشن بحدی بود که گاهی شخصاً در مراسم آن شرکت میجست. گوینده نامعلوم تاریخ منظوم شاه عباس نیز عید آب‌پاشان را که به امر شاهنشاه صفوی در چهارباغ اصفهان برگزار میگردد درین اشعار وصف کرده است :

چو هر سال روز نخستین مهر
برافروزد از برج خرچنگ چهر
بود آب پاشان برسم عجم
که کسری شگون کرده بوده است و جم
شش نیز نیکو شمردی بقال
بامرش شدی جشن آن روز سال
در آن روز در چهارباغ از حجام
نمودند بیش از شمر خاص و عام
ز بس ریختند آب بر یکدیگر
جهان گشت تا ماهی و ماه تر

بیشتر مورخین، سیاحان و سفرای کشورهای اروپائی مقیم در بار شاه عباس کبیر از علاقه او به این جشن مطالب بسیاری نوشته‌اند. اسکندربیک ترکمان منشی مخصوص شاهنشاه صفوی در وقایع سال بیست و پنجم جلوس شاه عباس کبیر مینویسد :

«.....» در اول تحویل سلطان که بعرف عجم و شگون کسری و جم روز «آب پاشان» است باتفاق در چهارباغ صفهان تماشای آب پاشان فرمودند و در آنروز زیاده از صد هزار نفس از طبقات خلاق و وضع و شریف در خیابان چهارباغ جمع آمده به یکدیگر آب می‌پاشیدند از کثرت خلاق و بسیاری آب‌پاشی زاینده رود خشکی پذیرفت و فی الواقع تماشای غریبی است . اسکندربیک در وقایع سال بیست و ششم جلوس شاه عباس کبیر که شاهنشاه صفوی در فصل بهار در مازندران بر برده و در اوایل تابستان برای تماشای جشن آب‌پاشان رهسپار گیلان گردید مینویسد :

«.....» جهان از طراوت ایام فروردین و بهار و ترشح و تقاطر امطار تازه و تر و از نکته عبیر آمیز ریاحین دماغ جهانیان معطر گردید و حضرت اعلی شاهي ظل الهی بدستور ولایت بهشت آسای مازندران کامیاب دولت بودند و چون فصل نشاط افزای بهار سپری گشته هوای آن دیار رو بگرمی نهاد اراده تماشای جشن و سوز و عشرت و سرور پنجه که معتاد مردم گیلان است از خاطر خطیر سرزد رسم مردم گیلان است که در ایام خمه مسترقه هر سال که بحساب اهل تنجیم آن ملک بعد از انقضای سه ماه بهار قرار داده‌اند و در میانه اهل عجم روز آب پاشان است بزرگ و کوچک و مذکر و مؤنث بکنار دریا آمده با یکدیگر آب بازی کرده بدین طرب و خرمی میگذرانند

والحق تماشای غریبی است. القصه موكب همایون از فرح آباد بدانصوب در حرکت آمد و بقصبه رودسر از اعمال رانكوه گیلان، که این صحبت بهجت افزا منعقد شده بود رسید تماشائی آن سور و نظاره گران انجمن سرور بودند. . . .

پیترو دولواله جهانگرد ایتالیائی که در زمان سلطنت شاه عباس کبیر به ایران مسافرت کرده و در سال ۱۰۲۸ هجری در شهر اصفهان شاهد جشن آب پاشان بوده است در مورد برگزاری جشن آب پاشان مینویسد:

« . . . در روز جمعه پنجم ژوئیه (۲۲ رجب) مراسم عید (آب پاشان) یا (آب ریزان) انجام گرفت. من تا اینروز مراسم این عید را ندیده بودم چه ظاهراً در غیاب شاه موقوف میشود. در روز این عید تمام مردم از هر طبقه و حتی شخص شاه نیز بی هیچ ملاحظه بسبک اهالی مازندران لباس کوتاه دربر میکنند و برای اینکه عمامه هایشان از ریزش آب گل آلود نشود بجای آن شب کلاهی بسمیگذارند و دستها را تا آرنج بالا میزنند و در کنار رودخانه یا محل دیگری که آب زیاد در دسترس باشد در حضور شاه حاضر میشوند و بعضی اینکه شاه اجازه داد با ظروفی که در دست دارند در ضمن رقص و خنده و مزاح و هزار گونه تفریحات دیگر بر سروروی هم آب میپاشند گاه کار این آب پاشی بجائی میرسد که برخی از مردم یا بسب خشم و غضب یا بغل دیگر ظروف را بسوئی میافکنند و با دست به آب ریختن میپردازند و حریفان خود را بمیان رود یا استخر میاندازند. در اصفهان مراسم عید آب ریزان را در کنار زاینده رود، در انتهای خیابان چهارباغ مقابل پل زیبای الله وردیخان بجای میآورند. . . . بهمین سبب شاه آنروز از اول صبح بدینجا رفت و تمام روز را در یکی از غرفه های زیر پل تماشا نشست. اندکی پیش از آنکه مراسم جشن پایان رسد و مردم دست از آب پاشی بردارند، شاه سفیران بیگانه را زیر پل خواند و چون وقت تنگ بود زمانی پس از آمدن ایشان مردم را مرخص کرد و خود در صحبت سفیران پیاده گساری پرداخت. . . . »

دن گارسیا دوسیلو افیگومرا سفیر پادشاه اسپانیا در یکی از روزهایی که جشن آب ریزگان در اصفهان در رودخانه زاینده رود برگزار میشده شرکت داشته است. دن گارسیا در این مورد چنین نوشته است:

« چند روز بعد شاه از سفیران خواهش کرد که طرف عصر روی پل زنده رود، که جلفا و محله گیران را از محله تبریزیان و بقیه شهر کهنه اصفهان جدا میسازد حاضر شوند. از چند قرن پیش همه سال در ماه ژوئیه ایرانیان جشن میگیرند. بدین ترتیب که همه مردم از هر ملت و طبقه، غیر از زنان، در کنار رودخانه جمع میشوند، و زنان بالای پل تماشا مینشینند. مردان در این روز لباسهای کهنه کوتاهی، که با

لباسهای معمول ایشان تفاوت بسیار دارد میپوشند، و شلوارهای تنگ بپوشند، و به جای عمامه شبکلاه کوچکی بر سر مینهند. . . . در کنار رودخانه همگی بدون آب میروند و بر سروروی یکدیگر آب میپاشند، و برای اینکه بهتر از عهده این کار برآیند هر یک ظرفی نیز همراه میبرند. . . .

« . . . غرفه های پل از هر سو برودخانه نگاه میکند، و هر یک از ده تا نه قدم طول و چهار قدم عرض دارد. شاه و سفیر لاهور (هند) در غرفه دوم نشسته بودند، سفیر بلخ (ترکستان) در راهروی که میان غرفه های دوم و سوم است، قرار گرفته بود. شاه سفیر اسپانی را نزدیک خود نشاند و عقیده او را درباره آن جشن پرسید. ولی داد و فریاد و هیاهوی مردم درین وقت چندان بود که روی پل سخن گفتن میسر نمیشد. » نظیری نیشابوری (متوفی بسال ۱۰۲۱ هجری) که از شرای دوره صفویه است در مورد آب ریزان در نزد میگوید:

از سیه چشمان هندی آب در چشمش نماند
آب ریزان میشود در نزد چشمی آب ده

و

آب پاشانست در کوی پیرویان یسزد

تا نمائی پای در گل چشم بر روزن مکن

فرهنگ برهان قاطع که در سال ۱۰۶۲ هجری در هندوستان تألیف گردیده است علت برگزاری جشن آب ریزگان را چنین نوشته . . .

آب ریزان - روز سیزدهم تیر ماه باشد گویند در زمان یکی از ملوک عجم چند سال باران نبارید در این روز حکما و بزرگان و خواص و عوام در جائی جمعیت نموده دعا کردند همان لحظه باران شد بدان سبب مردم شادی و نشاط کرده آب بر یکدیگر ریختند و از آن روز رسم برجاست .

پس از صفویه در برگزاری جشن تیرگان در بعضی از نقاط کشور تغییراتی حاصل گردید در بخش شمالی ایران یعنی در استان های گیلان و مازندران جشن تیرگان بعد از نوروز بعنوان مهمترین عید شناخته شد ولی آداب و رسوم خاصی در این موقع دیده میشود که پیش از آن وجود نداشت دکتر صادق کیا در واژه نامه طبری در مورد جشن آب ریزان در گاه شماری و جشنهای طبری مینویسد:

« از جشن های باستانی که در این گاه شماری بازمانده پس از جشن نوروز از همه نامه تر تیر ماسیز (سیزده تیر ماه) است

۶ - عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات تصنیف ذکریا بن محمد بن محمود الملکوتی القزوینی به تصحیح و مقابله نسرالله صبحی صفحه ۸۰ و ۸۱ در معرفت ماهها .

۷ - جلد دوم تاریخ عالم آرای عباسی صفحه ۸۳۸ .

۸ - جلد دوم تاریخ عالم آرای عباسی صفحه ۸۵۳ .

۹ - واژه نامه طبری از صادق کیا صفحه ۲۴۸ .

و این همان جشن تیرگان یا آبریزان و آبریزگان است که در روز تیر (سیزدهم) در ماه تیر در سراسر ایران گرفته می‌شده نام دیگر این جشن در شرح بیست باب ملاحظه (نوروز طبری) یاد شده از رسم‌های شب پیش از آن (تیرماسیزشو) آنچه جمع‌آوری شده اینست لال‌زن شیش کسی بصورتی که شناخته نشود بخانه‌ای می‌رود و شیشی (ترکه‌ای) در دست دارد و چنان مینماید که لال است و اهل خانه را با آن می‌زند تا آنکه چیزی باو بدهند، این زدن را شکون برای تندرستی میدانند.

شال‌انگینی «شال‌افکندن» کسی چنانکه دیده نشود از روزن بام بالای در اطاق شال یا پارچه بلندی را بدرون میاندازد و می‌ایستد تا صاحب خانه در آن چیزی بگذارد و ببیند پس آهسته آنرا بیرون میکشد و میبرد این بیشتر کار کودکان است. دیگر از رسم‌های آن فال گرفتن است (بیشتر از دیوان خواجه) و همچنین فال گوش که آنرا بطبری گوش‌داری و گوش‌یاری و گوشاری و گوش‌کشی می‌خوانند. و نیز در این شب شع‌ها می‌افروزند و در سراسر خانه می‌گذارند و در پارم‌ای جایها هنگامی که از خانه بیرون می‌آیند شمعی در دست دارند و راه می‌روند و در این شب سیزده‌گونه خوراک و میوه باید خورد و هر که نامزدی دارد برای او چیزی می‌فرستد که آنرا سیزده می‌خوانند و در پارم‌ای جایها به «شوشیر» یا «شوشتن» (شب‌نشتن) می‌روند.

هوشنگ پور کریم در مطالعاتی که در دهکده سما^{۱۲} بعمل آورده در مراسم عید نوروز و جشن‌های باستانی سما می‌نویسد: «سمائی‌ها یک جشن دیگر هم دارند که آنرا با ماه‌های خودشان تطبیق می‌دهند. این جشن را «تیرماه سیزده» می‌نامند و هر ساله در شب سیزدهم تیرماه خودشان برگزار میکنند. در این شب، هر چند خانواده، در خانه‌ای به شب‌نشینی جمع میشوند و فال حافظ می‌گیرند و بچه‌ها و نوجوانان در خانه‌ها دستمال می‌اندازند و صاحب‌خانه‌ها در آن دستمال برای بچه‌ها که نباید شناخته شوند کلوچه و آجیل می‌پیچند. همان شب، پیش از خواب نوجوانان در چند دسته، توی کوجه‌ها راه می‌افتند، و یکی‌شان که خودش را لال نشان می‌دهد ترکه‌ای به جان هر یک از افراد خانه می‌مالد که آن ترکه را اهل «سما» تبرک میدانند»

« (و^{۱۳}) سمائی‌ها از چند روز پیش از رسیدن شب تیرماه سیزده مهیای جشن می‌شوند تا در آن شب همه کلوچه‌ها و حلواها و آجیل و خوراکیهای دیگر فراهم باشد که در مجموع پلو و خورش باید سیزده جور خوراکی شود. بعد از شام، هر چند خانواده در خانه‌ای که دیوان حافظ دارند، به شب‌نشینی جمع میشوند، برای فال گرفتن از دیوان حافظ، به نام هر یک از آنهایی که در شب‌نشینی حاضر هستند، مهره مشخصی که از مهره‌های مشخص دیگران شناخته میشود در کوزه‌ای

می‌ریزند و بعد هم دیوان حافظ را باز می‌کنند و شروع می‌کنند به خواندن غزل در هر غزل، مهره‌ای را از کوزه بیرون می‌آورند تا معلوم شود که آن غزل برای فال کدامشان بوده است.

شب‌نشینی سمائی‌ها در جشن «تیرماه سیزده» با ترانه‌های محلی که می‌خوانند پر شورتر میشود در همین شب، بچه‌ها و نوجوانان در کوجه‌ها راه می‌افتند، و بی‌آن که شناخته شوند در خانه‌ها دستمال میاندازدند و منتظر میشوند که صاحب‌خانه‌ها در دستمال برایشان کلوچه و حلوا و آجیل بپیچد.

یک رسم دیگر سمائی‌ها در شب «تیرماه سیزده» این است که نوجوانان سمائی، در چند دسته، با ترکه‌ای که همان روز از درخت چیده‌اند، در کوجه‌ها راه می‌افتند هر دسته با این ترکه که خودشان «شیش» می‌نامند در هر خانه، یکی که ترکه را به دست گرفته است و خودش را «لال» می‌نمایند، آن ترکه را به جان افراد خانه می‌مالد و بی‌آنکه حرفی زده باشد از خانه بیرون می‌آید. اهل خانه هم خوشحال می‌شوند که لال «لال‌شیش» را به تن آن‌ها مالانده است چون سمائی‌ها، ترکه‌ای را که «لال» با آن آن‌ها را زده است تبرک میدانند بعد هم به «لال» و به همراهش هدایا و خوراکی‌هایی می‌دهند.

سمائی‌ها، ترکه‌ای را که «لال» با آن آن‌ها را زده است و آن را برایشان در خانه باقی گذاشته است تبرک میدانند و این ترکه را که گفتم «لال‌شیش» مینامند، از این سال تا سال بعد که باز دیگر «تیرماه سیزده» می‌رسد نگهداری‌اش میکنند. یکی دیگر از نقاطی که مورد مطالعه قرار گرفته و برگزار می‌شود جشن تیرگان در آن منطقه مشاهده گردیده دهکده یوش^{۱۴} میباشد. این دهکده بوسیله سیروس طاهباز^{۱۵} مطالعه شده و او از «تیرموسیزه» بعنوان جشن اختصاصی اهالی یوش یاد میکند و مراسم جشن در یوش و سما همانند هم است با این تفاوت که سالی که طاهباز دهکده یوش را مورد بررسی قرار داده است جشن تیرگان در بیستم آبان‌ماه برگزار میگردد و علت آنرا هم توضیح داده است که سال ایرانی سیمد و شصت و پنج روز تمام و بدون کسر اضافی حساب می‌شد و چون سال شمسی حقیقی کسری علاوه دارد و با کسور اعشاری قریب ۳۶۵/۲۴۲۲ روز است لذا سال ایرانی در هر چهار سال یکروز و بطور دقیق‌تر در هر ۱۲۸ سال ۳۱ روز نسبت بسال حقیقی فرق میکند و کمتر است.

جشن تیرگان در خراسان و کرمان و یزد^{۱۶} نیز برگزار میشود زردشتیانی که در یزد و روستاهای اطراف آن سکونت کرده‌اند در روز اول تیرماه جشن تیرگان را با مراسمی خاص خود برگزار میکنند.

بعد از ظهر روز ۳۱ خرداد مردم یک کوجه یا چند خانوار دور هم جمع می‌شوند و یک دختر نابالغ را برمی‌گیرند و یک

کوزه با دهانه‌ای فراخ در اختیار او قرار میدهند و هر یک شیشی در کوزه می‌اندازند البته قبل از آنکه هر کس شیشی خود را درون کوزه گذارند نیتی میکند سپس آن دختر نابالغ دهانه کوزه را با یک دستمال بزرگ سبزرنگ می‌بندد و کوزه را آب میکند البته آن آب باید از آب هفت چشمه باشد و اگر میسر نبود از آب سه چشمه پاک فراهم میگردد بعد آن کوزه پر آب را زیر یک درخت سرو قرار میدهند و روی آن یک قوطی کبریت، یک جاروی تمیز و یک آئینه میگذارند. روز اول تیرماه همه بهمدیگر آب می‌پاشند و مرد و زن همدیگر را خیس میکنند. عصر دختری نابالغ کوزه را در وسط اطاقی که زنها اطراف آن نشسته‌اند میگذارد. یکی از حاضران اشعاری میخواند. و آن دختری که از اشیاء درون کوزه را خارج میکند. و به صاحبش میدهد و صاحب شئی شعری را که پاسخ نیت اوست یادداشت میکند. در شهر یزد کوزه را پس از اتمام مراسم فال‌گیری در تنور خاموش میسوزانند.

در نودوشان یزد شب اول تیرماه در همه خانه‌ها غذاهائی که با گوشت تهیه گردیده می‌خورند و هم‌چنین عقیده دارند که روز اول تیرماه اگر کسی بی‌خبر آب به دیگری به پاشد خوش‌یمن است و در روز اول تیرماه هر کس سعی میکند اقوام و آشنایان خود را با پاشیدن آب خیس کند.

جشن تیرگان که از اعیاد خاص ایرانیان است جنبه جهانی بخود گرفته و در اکثر نقاط جهان هنوز برگزار میگردد.

شبه قاره هند که از دیرباز با ایران زمین روابط بسیار نزدیک سیاسی و اقتصادی و فرهنگی دارد از چندین قرن پیش این جشن شادی آفرین ایرانی را پذیرفت، از فرمانروایان هند سلاطین گورکانی علاقه زیادی به برگزاری جشن تیرگان نشان میدادند و در دربار و کشور هند با مراسم خاصی برگزار می‌گردید. و آن بصورت یکی از اعیاد بسیار مهم در شبه قاره هند درآمد. از سلاطین گورکانی هند جهانگیر (قرن هفدهم میلادی) علاقه بیشتری به این جشن نشان میداد. مینیاتوری

که اثر یکی از استادان هم‌عصر جهانگیر گورکانی است دربار این سلطان را در حالیکه جهانگیر در صدر مجلس نشسته است نشان میدهد. در پائین مجلس عده‌ای نوازنده که سازهای مختلف در دست دارند مشاهده میگردد و در اطراف تخت سلطان امرا و درباریان ایستاده‌اند و در دست برخی از آنان ظرفی دیده میشود و یکی از درباریان ظرف آبی تقدیم جهانگیر می‌کند. در بالای مینیاتور مزبور این جمله به فارسی نوشته است: «بآب‌پاشی مشهور است و از رسوم مقرر پیشین است منعقدگشت»^{۱۶}.

در کشور برمه جشن تیرگان هنوز برگزار میشود. برادران امیدوار^{۱۷} در سفر خود بسوی کشورهای آسیای جنوب شرقی در کشور برمه برگزاری این عید ایرانی را مشاهده کردند. در جنوب کشور فرانسه هر ساله جشن آب‌پاشان با شرکت پیرو جوان برگزار میگردد.

آنچه که در پایان این مقاله باید یادآور شود این است که این جشن آریائی که از پیش از مسیح در میان آریائی‌ها بویژه ایرانیان رواج بسیار داشته هم‌اکنون نیز در بین ایرانیان ارمنی و دیگر ارامنه جهان مرسوم است و همه ساله آن‌را در ماه ژوئن که مصادف با تیرماه ایرانی است برپا میدارند.

۱۰ - یکی از دهکده‌های دهستان «پنجک رستاق» است و در بخش کوهستانی کجور مازندران.
 ۱۱ - مجله هنر و مردم شماره شصت و ششم، صفحه ۲۴.
 ۱۲ - مجله هنر و مردم شماره شصت و ششم، صفحه ۲۶.
 ۱۳ - ده از دهستان اوژروز بخش نور شهرستان آمل.
 ۱۴ - پوش نوشته سیروس طاهباز صفحه ۶۶.
 ۱۵ - اقتباس از گفتار آقای نجوا از رادیو ایران.
 ۱۶ - زبان و ادب پارسی در دربار سلاطین گورکانی نفوذ و رواج داشت و شعرائی که به فارسی شعر می‌سرودند ارج و قرب فراوان داشتند و مینیاتوری که به آن اشاره شد بسبب هندی تهیه و جمله مزبور بخط خوش فارسی نوشته شده است.
 ۱۷ - سفرنامه برادران امیدوار صفحه ۱۲۳.